

## **Influence of Persian Culture and Dialects of South Khorasan on Arabkhaneh Arabic Culture and Dialect (Case study: similarity and influence of interrogative sentences)**

**Aliakbar Samkhanian<sup>1</sup>    Zohreh FallahiPour<sup>2</sup>    Hamed Noruzi<sup>3</sup>**

Received: 6/12/2021

Accepted: 14/5/2022

### **Abstract**

Arabkhaneh, a rural district of Nehbandan and located in South Khorasan, is among the first residence of the Arabs immigrated to Iran. Due to the distance from its actual source and adjacency with Iranian culture, the language of this region is considerably influenced by Farsi. This impact takes place on four levels: syntactic, phoneme, phonetic and semantic, with the most impact on phoneme (structure). In this article, the authors compare the structure of interrogative sentences in standard Farsi with standard Arabic. The field data has been gathered from Khosroabad Arabkhaneh village and then analyzed and compared using typology approaches and frameworks. The results showed resemblance in the order of the elements of an interrogative sentences and words and relocation of them. Nonetheless, since the interrogative sentences in Farsi, Arabkhaneh dialect and standard Arabic have some resemblance, it could not be hypothesized that the number of interrogatives in Arabkhaneh dialect has been influenced by Farsi.

**Keywords:** Arabkhaneh's Arabic Dialect, Interrogative structures, Farsi language, Typology

---

1. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Birjand University  
asamkhaniani@birjand.ac.ir

2. Graduated from Birjand University with a master's degree in Persian language and literature  
Zohre.fallahipour@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Birjand University  
hd-noruzi@birjand.ac.ir

مقاله علمی - پژوهشی

## تأثیرپذیری فرهنگ و گویش عربی عربخانه از فرهنگ و گویش های فارسی خراسان جنوبی

(بررسی موردی: شباهت و تأثیرپذیری جمله های پرسشی)

علی اکبر سام خانیانی<sup>۱</sup> زهره فلاحی پور<sup>۲</sup> حامد نوروزی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۴

مشاهده مقاله منتشر شده: سال ۱۶، شماره ۳

[http://www.farhangekhorasan.ir/article\\_150383.html](http://www.farhangekhorasan.ir/article_150383.html)

### چکیده

عربخانه دهستانی از توابع شهرستان نهبندان، واقع در خراسان جنوبی، یکی از اولین سکونت گاه های عرب های مهاجر در ایران بوده است. فرهنگ مردم این منطقه به دلیل دوری از منشأ اصلی خود و همچنین همجواری با فرهنگ فارسی، شباهت فراوانی به فرهنگ فارسی یافته است. در این مقاله از مجموعه تأثیرپذیری های فرهنگی عربخانه از فارسی، به بررسی شباهت های زبانی پرداخته شده است. این شباهت های زبانی در هر چهار سطح صرفی، نحوی، آوایی و معنایی زبان مشهود است؛ اما بیشترین شباهت در بخش نحو (ساخت جمله) مشاهده می شود. در این مقاله نگارندگان ساخت جمله پرسشی در گویش عربی عربخانه را با ساخت جمله پرسشی در زبان فارسی گفتاری و عربی معیار مقایسه کرده اند. داده های این پژوهش به صورت میدانی از روستای خسروآباد عربخانه جمع آوری شده و با استفاده از چهارچوب های دیدگاه رده شناسی زبان، تحلیل و مقایسه شده است. پس از بررسی روشن شد که ترتیب اجزای جمله پرسشی، پرسش واژه ها و جابه جایی اجزای جمله در گویش عربخانه در مواردی تحت تأثیر فارسی گفتاری است و در مواردی به آن شباهت دارد؛ برای مثال از آنجا که جملات پرسشی از نظر تعداد سازه های پرسش پذیر در فارسی، گویش عربخانه و عربی معیار شباهت دارند، نمی توان ادعا کرد که تعداد سازه های پرسش پذیر در گویش عربخانه از فارسی متأثر بوده است.

**واژه های کلیدی:** گویش عربی عربخانه، ساخت جمله پرسشی، زبان فارسی، رده شناسی

asamkhaniani@birjand.ac.ir

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

Zohre.fallahipour@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

hd-noruzi@birjand.ac.ir

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

## مقدمه

فرهنگ و همه شئون آن پدیده‌هایی پویا و زنده‌اند که پیوسته در حال تحول و دگرذیسی هستند. یکی از مهم‌ترین دلایل تحول فرهنگ یک جامعه خُرد یا کلان، برخورد و تماس بلندمدت با فرهنگی دیگر است. یکی از مهم‌ترین شئون فرهنگی که در اثر تماس با فرهنگ بیگانه دچار تحول می‌شود «زبان» است. اصطلاح برخورد زبانی<sup>۱</sup> را در مفهومی عام می‌توان به اشکال مختلف تماس دو زبان و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر تعبیر کرد. در برخورد دو جامعه زبانی، زبان قومی را که دارای برتری نظامی، اقتصادی یا سیاسی است و یا به واسطه سلطه، به سرزمین دیگری وارد شده است، زبان زبرین<sup>۲</sup> و زبان مردمی را که از نظر نظامی، اقتصادی یا سیاسی در موضع ضعف قرار دارند و یا زبان مردم بومی سرزمین اشغالی را که زیر سلطه نظامی، اقتصادی یا سیاسی تازه‌واردان قرار گرفته است، زبان زیرین<sup>۳</sup> می‌نامند. در این قبیل موارد بویژه هنگامی که دو جامعه زبانی به واسطه جنگ‌ها و برخوردهای نظامی در ارتباط قرار می‌گیرند، به طور کلی سه حالت پیش می‌آید: حذف زبان زبرین، حذف زبان زیرین و هم‌زیستی دو زبان در کنار یکدیگر (مدرسی، ۱۳۹۳: ۷۸-۷۹). هم‌زیستی دو زبان معمولاً دارای شرایط خاصی است؛ بدین ترتیب که هیچ‌یک از دو زبان حذف نمی‌شود؛ اما هر یک در طول زمان، قلمرو جغرافیایی خاصی در یک کشور برای خود به وجود می‌آورد. در واقع نوعی تقسیم قلمرو جغرافیایی میان زبان‌های زبرین و زیرین انجام می‌گیرد؛ بدون آن که الزاماً یکی از آن‌ها در سراسر یک منطقه، رایج و دیگری حذف شود. بی‌تردید پس از اسلام، زبان عربی بیشترین هم‌زیستی را با زبان فارسی داشته است. این زبان به صورت مستقیم در فارسی تأثیر گذاشته است؛ اما در برخی از مناطق ایران به شدت تحت تأثیر فارسی نیز قرار گرفته است. این تأثیر و تأثر در مناطقی که مقصد مهاجرت عرب‌ها بوده است، بیشتر مشاهده می‌شود. یکی از مناطقی که از قرون نخستین اسلامی مقصد مهاجرت عرب‌ها بوده، خراسان جنوبی است.

دیدگاه‌های مختلفی در مورد مهاجرت عرب‌ها به خراسان وجود دارد. اکثر تاریخ‌نویسان فتح خراسان توسط عرب‌ها را در سال ۲۲ هـ. ق. و در عصر خلافت «عمر بن خطاب» ذکر کرده‌اند و

- 
1. Linguistic contact
  2. Upper language
  3. Lower language

برخی نیز این واقعه را در سال ۲۹ هـ ق. نوشته اند (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۸). از همان زمان خراسان به عنوان یکی از سکونت‌گاه‌های عرب‌ها در ایران شناخته شده است؛ چنان‌که در سال ۵۲ هـ ق. پنجاه هزار مرد جنگی هر یک با خانواده خویش در خراسان ساکن شدند که نصف آن‌ها از عرب‌های بصره و نیمی دیگر از کوفه بودند (زرین‌کوب، ۱۳۶۸، ج ۲: ۳۰). موج دیگری از مهاجرت عرب‌ها به خراسان نیز در قرن اول هجری قمری در سال ۶۴ هـ ق. آغاز شده است (اشپولر، ۱۳۶۹: ۴۴۷). به همین ترتیب مهاجرت عرب‌ها در زمان عباسیان نیز ادامه یافت. یکی از عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت عرب‌ها در این دوره، قیام اُستادسیس است. سرکوب استادسیس در زمان منصور عباسی و به فرماندهی خازم بن خزیمه انجام گرفت. خازم بن خزیمه بعد از مقهورکردن استادسیس در قهستان مستقر شد؛ در نتیجه نژاد بیشتر عرب‌ها در جنوب خراسان را به او و سپاهیانش برمی‌گرداند (میرنیا، ۱۳۶۹: ۱۵۱)؛ اما عده‌ای نیز عرب‌های جنوب خراسان را همان عرب‌های خوزستان می‌دانند که در زمان نادرشاه کوچانده شده‌اند که این نظر بر اساس داده‌های زبان‌شناسی طرفداری ندارد (نوروزی و قربانی جویباری، ۱۳۹۴: ۱۴۷). به هر روی جنوب خراسان همواره یکی از مهم‌ترین سکونت‌گاه‌های عرب‌ها در خراسان و حتی ایران است. به گونه‌ای که بخشی از این استان با عنوان عربخانه شناخته می‌شود. این منطقه با توجه به دورافتادگی از مناطق دیگر عرب‌نشین ایران و تماس دائم با فرهنگ‌های همجوار فارسی، تأثیر بسیاری از فرهنگ و زبان فارسی پذیرفته است. در این مقاله قصد داریم تأثیر زبان فارسی بر زبان عربی این منطقه را در سطح نحو و به صورت ویژه، ساخت جمله پرسشی بررسی کنیم.

منطقه عربخانه یکی از دهستان‌های بخش شوسف شهرستان نهبندان است. این دهستان از شمال و شمال غربی به شهرستان بیرجند، از جنوب به دهستان میغان و از شرق به دهستان شوسف محدود می‌شود. طبق سرشماری عمومی ۱۳۹۵ این دهستان که از ۱۰۷ آبادی بزرگ و کوچک تشکیل شده، حدود ۱۲۸۷ خانوار ساکن و ۳۸۷۲ نفر را در خود جای داده است (مرکز آمار ایران) که نسبت به سرشماری قبل در سال ۱۳۷۵ که جمعیت این دهستان ۷۲۰۰ نفر بود، کاهش پنجاه درصدی را نشان می‌دهد.

زبان عربی این منطقه به دلیل همجواری با فرهنگ‌های فارسی‌زبان، تأثیرهای فراوانی از زبان فارسی گرفته است. این تأثیرها را می‌توان در هر چهار سطح زبان (صرفی، نحوی، آوایی، معنایی) مشاهده کرد. یکی از سطوح زبان عربی این منطقه که بیشترین تأثیر را از فارسی پذیرفته، سطح نحوی و به صورت ویژه، ساخت جمله است. به دلیل گستردگی پژوهش‌های نحوی و تعدد ساخت جمله‌های فارسی، در مقاله حاضر، نگارندگان تنها ساخت جمله پرسشی فارسی را مورد پژوهش قرار داده‌اند و تأثیر آن را بر ساخت جملات پرسشی گویش عربی عربخانه بررسی خواهند کرد. نگارندگان برای رسیدن به این هدف از روش‌ها و چهارچوب‌های مبتنی بر رده‌شناسی زبان که ابزاری مناسب برای بررسی‌های نحوی تطبیقی است، بهره برده‌اند.

### پیشینه تحقیق

درباره گویش عربی عربخانه پژوهش‌های اندکی انجام گرفته است. از جمله ولادمیر الکسیویچ ایوانف<sup>۱</sup> که به نظر می‌رسد اولین کسی است که در مقاله‌ای (۱۹۲۶) به گویش عربخانه اشاره کرده است و معتقد است واژگان این زبان تقریباً فارسی، اما دستور زبان (نحو) آن عربی است؛ در صورتی که برخلاف این عقیده، گویش عربخانه تأثیرهای فراوانی از نحو زبان فارسی گرفته است. پایان‌نامه آموزگار (۱۳۸۰) و مقاله مستخرج از آن بیشتر به تاریخچه عرب‌های این منطقه و تطبیق زبان عربی آن با عربی معیار پرداخته است. در این پایان‌نامه به تأثیرپذیری این گویش از زبان فارسی توجهی نشده است. در پایان‌نامه جانی (۱۳۸۷) نیز بیشتر به مقایسه گویش عربی درمیان با عربخانه پرداخته شده است. دالگرن (Dahlgren, 2005) در مقاله خود معتقد است که زبان فارسی تأثیر فراوانی بر گویش عربی عربخانه داشته است. در کتاب کاظمی (۱۳۹۳) و مقاله عباسی (۱۳۷۷) در مورد تاریخچه مهاجرت عرب‌های خراسان جنوبی به این منطقه توضیحات مفصلی آمده است. مقاله سیدی (۱۳۸۷) نیز به شباهت آوایی گویش عربی جنوب عراق با جنوب خراسان پرداخته است. پایان‌نامه امیرآبادی‌زاده (۱۳۸۸) تنها به حوزه ساخت‌واژه توجه داشته و به نحو نپرداخته است. در مقاله نوروزی و قربانی جویباری (۱۳۹۴) درباره تأثیر فعل اسنادی فارسی بر ساختمان فعل گویش عربی عربخانه، تنها به تأثیرپذیری واژگانی بخش فعل در دو زبان

توجه شده است. مقاله دیگر نوروزی و دیگران (۱۳۹۵) برخی از قرض‌گیری‌های گویش عربی عربخانه از زبان فارسی را مورد بررسی قرار داده است. اسعدزاده (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود به بررسی تطبیقی ادبیات مربوط به آداب و رسوم مردم طایفه بهلولی و عربخانه پرداخته است. بهلولی‌مقدم (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود به بررسی تطبیقی افسانه‌های طایفه بهلولی و عرب‌های خراسان جنوبی پرداخته است. عزیزی (۱۳۹۷) دستگاه گویش عربی روستای توتسک را بررسی کرده است. آذری (۱۳۹۶) در پایان‌نامه خود ساخت صرفی فعل در گویش عربی درمیان را بررسی و آن را با عربی معیار مقایسه کرده است.

### روش تحقیق

مقاله حاضر، پژوهشی توصیفی-تحلیلی است که داده‌های آن از طریق مصاحبه‌های میدانی با گویشوران منطقه عربخانه گردآوری شده است. سعی شده گویشورانی که با آنان مصاحبه شده است، تا حد امکان از افراد مسن (هر دو جنس زن و مرد) و بی‌سواد یا کم‌سواد باشند که تمام عمر خود را ساکن منطقه بوده‌اند. برای تحلیل داده‌ها از چهارچوب رده‌شناسی<sup>۱</sup> زبان استفاده شده است. اصطلاح «رده‌شناسی» ابتدا در سال ۱۹۰۱ توسط زبان‌شناس آلمانی گابلنتس<sup>۲</sup> در زبان‌شناسی به کار برده شد و از سال ۱۹۲۸ متداول گشت. در این چهارچوب زبان‌ها را بر اساس شباهت‌های ساختاری و خصوصیات دستوری دسته‌بندی می‌کنند. رده‌شناسی زبان از تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام‌مند بین زبان‌های جهان (چه زبان‌هایی که به یک خانواده تعلق دارند یا زبان‌هایی که در خانواده‌های زبانی مختلف جای می‌گیرند) بحث می‌کند. رده‌شناسان ویژگی‌های دستوری مانند ترتیب سازه‌ها، ساخت واژه‌ها و ساخت فعل را بین زبان‌های مختلف جهان مورد بررسی قرار می‌دهند و به دنبال کشف شباهت‌های این زبان‌ها هستند. بدین ترتیب با کشف ارتباط‌های غیرتصادفی میان زبان‌ها طبق الگوها و چهارچوب‌های دستوری آن‌ها را دسته‌بندی می‌کنند (البرزی ورکی، ۱۳۸۱: ۱۲). برای رسیدن به این هدف در مقاله حاضر، ترتیب واژه‌های جمله در گویش عربی عربخانه با دو زبان فارسی معیار (و در مورد لزوم فارسی رایج در خراسان جنوبی) با

---

1. Linguistic/ Language Typology  
2. Gabelentz

ویژگی SOV و عربی معیار با ویژگی VOS مقایسه و میزان انطباق گویش عربی عربخانه با فارسی معیار و عربی معیار سنجیده می‌شود. بدین ترتیب روشن می‌شود که گویش عربی عربخانه هنوز ویژگی‌های نحوی و ترتیب واژه‌های عربی معیار را حفظ کرده یا با انحراف از قواعد معیار زبان عربی، تحت تأثیر ترتیب واژه‌های فارسی قرار گرفته است؛ البته در مواردی نیز با توجه به شباهتی که میان ساختار جملات گویش عربی و فارسی گفتاری خراسان جنوبی وجود دارد، تنها می‌توان به «شباهت ساختار جملات» اشاره کرد و نه تأثیرپذیری؛ چراکه مشابه همین ساختارها را می‌توان در گویش عربی خلیج یا عراق نیز مشاهده کرد. در نهایت باید گفت انتخاب رویکرد رده‌شناسی نیز برای یافتن شباهت‌های ساختاری جملات پرسشی در دو گویش فوق بوده است. کشف و بررسی شباهت‌های نظامند در نظام آواها و واج‌ها و صرف و نحو این زبان‌ها، موضوع رده‌شناسی زبان است. در این مسیر پژوهشی، رده‌شناسان به همگانی‌ها یا جهانی‌های زبانی که در همه زبان‌ها یافت می‌شوند نیز نائل شده‌اند؛ بنابراین، دستاورد مطالعات رده‌شناختی هم کشف تفاوت‌های نظاممند و هم اشتراکات بین زبان‌ها بوده است.

### بحث

هر یک از زبان‌های جهان الگوی صرفی، نحوی و آوایی خاص خود را دارند؛ اما ورای این تنوعات ظاهری، یکپارچگی‌ها و شباهت‌هایی نهفته است که نمی‌شود از آن‌ها چشم پوشید. رده‌شناسی زبانی، بر اساس شباهت این الگوها شکل گرفته است. رده‌شناسان معتقدند که الگوهای ساختاری تکرارپذیری بین زبان‌ها وجود دارد که اتفاقی نیستند. این الگوهای زبانی از طریق جهانی‌ها معرفی می‌شوند (رضایی و بهرامی، ۱۳۹۴: ۱)؛ اما باید توجه داشت که گاهی نیز الگوهای مشترک دو زبان از طریق قرص‌گیری از یک زبان به زبان دیگر وارد می‌شوند. توماسون و کوفمن (Thomason & Kaufman, 1988: 72) معتقدند که اساساً هر چیزی می‌تواند بر اثر تماس زبانی قرص‌گیری شود؛ اما وام‌گیری‌ها به ترتیب خاصی رخ می‌دهند و با عوامل زبانی-اجتماعی، از قبیل مدت‌زمان تماس و شدت آن همبستگی دارند. به عقیده آنان مدت‌زمان تماس باید به اندازه‌ای باشد که زمان کافی برای گسترش دوزبانگی و تداخل را در اختیار سخنگویان قرار دهد. همچنین لازم است تعداد سخنگویان زبان مبدأ از تعداد سخنگویان زبان مقصد بیشتر باشد یا بر

زبان قرض‌گیرنده، برتری سیاسی- اجتماعی داشته باشند. علاوه بر این موارد هر چه خانوارهای دوزبانه گسترش یابند، سرعت و شدت قرض‌گیری افزایش می‌یابد (همان: 255).

گویش عربی عربخانه نیز اگرچه از نظر خانواده زبانی با فارسی متفاوت است؛ اما به دلیل تأثیر زیادی که از فارسی نواحی مجاور پذیرفته، از نظر رده‌شناسی دارای اشتراک‌های زیادی با فارسی است. یکی از سطوح زبانی گویش عربی عربخانه که از فارسی تأثیر بسیاری پذیرفته، سطح نحوی است. در این میان ساخت نحوی یا ترتیب کلمات (word order) یکی از مباحث نحوی است که می‌توان در آن تأثیر فارسی را آشکارا دید. در این مقاله برای بررسی این تأثیرپذیری، ساخت نحوی جمله پرسشی فارسی را با گویش عربی عربخانه مقایسه خواهیم کرد.

### انواع جمله پرسشی

از دیدگاه رده‌شناسی در زبان فارسی دو نوع جمله پرسشی وجود دارد: جمله‌های پرسشی بله/ خیر و جمله‌های پرسشی پرسش‌واژه‌دار» (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۱۹).

### جمله پرسشی بله / خیر

ترتیب کلمات در جمله پرسشی بله/ خیر، مانند جمله خبری است و تنها تفاوت آن‌ها آهنگ خیزان در جمله پرسشی است (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۱۱۲). جمله پرسشی بله/ خیر از دیدگاه رده‌شناسی سه نوع است:

### جمله پرسشی بله / خیر خنثی

در این نوع پرسش، گوینده منتظر پاسخ مشخصی از مخاطب نیست. این جمله‌ها دو ساختار دارند که شامل بافت رسمی و غیررسمی است. گونه رسمی با اضافه کردن آیا در ابتدای جمله آورده می‌شود (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۰).



**الف. جمله پرسشی بله / خیر رسمی**

تفاوت جمله پرسشی بله/ خیر رسمی با غیررسمی، اضافه شدن ادات پرسشی «آیا» به ابتدای جمله رسمی است (همانجا). بقیه اجزای جمله و ترتیب قرار گرفتن آن‌ها تفاوتی ندارد. ساختار این نوع از جمله پرسشی با اندکی تفاوت در گویش عربی عربخانه نیز قابل مشاهده است؛ برای مثال:

| ترتیب واژگان    |              |                  |             |            |         |
|-----------------|--------------|------------------|-------------|------------|---------|
| قید پرسش<br>(۱) | قید زمان (۲) | حرف اضافه<br>(۳) | متمم<br>(۴) | فعل<br>(۵) |         |
| فارسی           | آیا          | امروز            | به          | مدرسه      | رفتگی   |
| گویش عربخانه    | -            | اليوم            | إِل         | مِدْرَسَه  | غَادِت  |
|                 |              | \alyom\          | \ el \      | \medresa\  | \qedēt\ |

همان‌گونه که در نمونه بالا نشان داده شد، کلمه پرسشی «آیا» در گویش عربی عربخانه کاربرد ندارد؛ اما ترتیب واژگان کاملاً مشابه فارسی است؛ چراکه در عربی معیار جمله بالا به صورت «أذهبَتَ اليومِ إلى المدرسة؟» بیان می‌شود که ترتیب واژگان آن با فارسی متفاوت است؛ اما ادات پرسش در ابتدای آن آمده است؛ البته از آنجا که ساخت چنین جمله‌هایی در گویش عربی خلیجی و عراقی نیز به چشم می‌خورد، نمی‌توان با قطعیت تأثیر زبان فارسی بر این نوع جملات را مسلم دانست؛ اما دست‌کم شباهت ساخت جملات در گویش عربی عربخانه و فارسی روشن است. در گویش عربخانه پرسش‌واژه‌های «أ» و «هل» کاربرد ندارد و از میان رفته است. چنین تفاوتی نشان‌دهنده این است که گویش عربی عربخانه، تنها از گونه گفتاری (غیررسمی یا گویشی) جمله پرسشی زبان فارسی قرض‌گیری کرده، نه گونه رسمی.

**ب. جمله پرسشی بله / خیر غیررسمی**

در فارسی معمولاً ترتیب اجزای جمله پرسشی بله/ خیر غیررسمی «مفعول- نقش‌نمای مفعول- فعل» است. همین ساختار با اندکی تفاوت در جایگاه نقش‌نما در گویش عربی عربخانه نیز مشاهده می‌شود؛ برای مثال:

| ترتیب واژگان             |           |                      |         |
|--------------------------|-----------|----------------------|---------|
| فارسی                    | مفعول (۱) | نقش‌نما (۲)          | فعل (۳) |
| غذا                      | رو        | خوردی                |         |
| آل - اِدِّم /al-? eddem/ | -         | اِجَلْتَه /?eçaltah/ |         |

این جمله در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «هل أكلت الطعام؟»؛ بدین مفهوم که اولاً ادات پرسش («هل»؛ معادل «آیا» در فارسی) قابل حذف نیست؛ ثانیاً ترتیب اجزای جمله آن «فعل - مفعول» است. این تغییر در ترتیب اجزای جمله با توجه به شباهت آن به ترتیب اجزای جمله در فارسی، به احتمال قریب به یقین تحت تأثیر فارسی انجام شده است. در گویش عربی حرف تعریف «ال» تقریباً معادل نقش‌نمای مفعول در زبان فارسی است که اولی پیش از مفعول و دومی پس از مفعول قرار می‌گیرد.

### جمله پرسشی هدایت‌شده

این نوع پرسش با آوردن «مگه» (گفتاری: *magar > mage*: رسمی) در ابتدای جمله و آوردن ساخت خبری دارای آهنگ خیزان پس از «مگه» ساخته می‌شود. غرض گوینده از قراردادن مگه در ابتدای جمله پرسشی، شنیدن پاسخی است که عکس جمله پرسشی است و در آن تأکید نیز هست (ناتل خانلری، ۱۳۸۴: ۱۱۰). این ساخت با اندک تفاوتی در تلفظ ادات پرسش در گویش عربخانه به کار می‌رود؛ برای مثال:

| ترتیب واژگان |              |                |             |                |
|--------------|--------------|----------------|-------------|----------------|
| فارسی        | قید پرسش (۱) | نهاد (۲)       | مسند (۳)    | فعل اسنادی (۴) |
| مگه          | اون          | پیراهن تو      | نیست        |                |
| مگ \maga\    | ذاک \zâk\    | سَبَاک \sobâk\ | ماهو \mêhu\ |                |

جمله بالا در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «أليس هذا ثوبك؟». روشن است که در عربی معیار، مانند جمله‌های پرسشی بله/خیر، همچنان از ادات «أ» استفاده می‌شود. افزون بر این، ترتیب اجزای جمله در عربی معیار بدین صورت است: «ادات پرسش - لیس - فاعل - مسند». بی‌تردید جابه‌جایی اجزای جمله در گویش عربی عربخانه، نشان‌دهنده تأثیرپذیری از فارسی است؛

با این تفاوت که کلمه پرسشی «مگه» (mage) فارسی گفتاری تهرانی، در گویش عربی عربخانه به صورت maga تلفظ می‌شود. علت این تفاوت، تأثیر گویش عربخانه از گویش خراسان جنوبی به جای فارسی گفتاری تهران است.

### پرسشی متناوب

جمله پرسشی متناوب، پرسشی است که مخاطب را در برابر دو پاسخ متضاد بله یا خیر قرار می‌دهد (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۱) یا پاسخ پرسش را به نوعی درون جمله گنجانده است. شنونده از میان گزینه‌هایی که گوینده در اختیارش قرار می‌دهد، پاسخ را انتخاب می‌کند (گلفام، ۱۳۹۳: ۴۸).

| ترتیب واژگان |                        |                                |             |            |
|--------------|------------------------|--------------------------------|-------------|------------|
| مفعول<br>(۱) | نشانه مفعولی<br>(۲)    | فعل<br>(۳)                     | حرف ربط (۴) | فعل<br>(۵) |
| فارسی        | خونه                   | رو                             | یا          | نه         |
| گویش عربخانه | اَلْغَبَّ<br>/algobba/ | -<br>اِحْدَتُوَه<br>\?exaztuh\ | یا<br>\yē\  | لا<br>\lā\ |

این جمله در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «هل اشتریتَ البیتَ أم لا؟». علاوه بر اینکه در این ساخت از ادات پرسش «هل» استفاده شده، ترتیب اجزای جمله نیز متفاوت است: «ادات پرسش- فعل- مفعول- حرف- لا». در عین حال باید توجه داشت که در عربی معیار جمله وابسته «ام لا» از نظر ساختار و جایگاه به جمله «یا نه» در فارسی بسیار شبیه است. این کلمه‌ها در جمله‌های پرسشی متناوب، کلیدی هستند و ما را در پاسخ بین دو گزینه مخیر می‌سازند. این کلمات کلیدی در گویش عربخانه با تحولاتی به صورت (ye le) کاربرد دارد. در این تحول، حرف «أم» عربی معیار مهجور شده و جای خود را به «یا»ی فارسی داده است؛ بنابراین حتی در مواردی نیز که ساخت جمله در عربی معیار و فارسی مشترک باشند، در گویش عربی معیار تمایل بیشتری به قرض‌گیری عناصر فارسی مشاهده می‌شود.

### جمله پرسشی پرسش‌واژه‌دار

پرسش‌واژه‌ها برای آگاهی‌یافتن از پدیده‌ای یا چگونگی‌اش به کار می‌روند (فاضل، ۱۳۹۲: ۱۶۱). به همین دلیل است که «با بودن پرسش‌واژه در جمله، پاسخ همیشه از نوع توضیحی است» (باطنی، ۱۳۸۰: ۸۸). پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی شامل مجموعه‌ای از ضمایر پرسشی و صفت‌های پرسشی هستند. ضمایر پرسشی شامل «کی، چی، کجا، چرا و چند» و صفت‌های پرسشی شامل «کدام، چند، چندتا و چقدر» است (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۱). این پرسش‌واژه‌ها در گویش عربی عربخانه و عربی معیار به صورت زیر به کار می‌روند:

| زبان فارسی  | گویش عربی عربخانه | عربی معیار |
|-------------|-------------------|------------|
| کی (چه وقت) | اِمْتِ /?emeta/   | مَتی       |
| چی          | پیش /yeš/         | ما         |
| کی (چه کسی) | مِن /men/         | مَن        |
| کجا         | وین /vein/        | أین        |
| چرا         | اِلِ /?elē/       | لِمَاذَا   |
| چند         | چَند /čand/       | کَم        |
| چقدر        | چَقْدَر /čeqadr/  | کَم        |
| کدام        | هَی /hay/         | أی /أیه    |
| چطور        | اِشْتَو /?ešto/   | کَیْفَ     |

برخی پرسش‌واژه‌های زبان فارسی که شامل «چند، چندتا و چقدر» می‌شود، وارد گویش عربی عربخانه شده است و همچنین پرسش‌واژه چطور، به صورت ešto در گویش عربخانه کاربرد دارد که به نظر می‌رسد از گویش خراسان جنوبی تأثیر پذیرفته است. نمونه‌هایی از جمله‌های پرسشی پرسش‌واژه‌دار در زیر آمده است:

| ترتیب واژگان |              |             |                   |
|--------------|--------------|-------------|-------------------|
| قید پرسش (۱) | قید زمان (۲) | فعل (۳)     |                   |
| چرا          | دیر          | اومدی       | جمله فارسی        |
| اِلِ /?elē\  | بِتِ \ bote\ | جئت\ /je?t\ | گویش عربی عربخانه |
|              |              |             | عربی معیار        |

| ترتیب واژگان        |                 |                    |               |
|---------------------|-----------------|--------------------|---------------|
| نهاد (۱)            | قید پرسشی (۲)   | مفعول (۳)          | فعل (۴)       |
| امین                | چقدر            | کتاب               | خونده         |
| آمین /?amin/        | \ čeqadr \ چقدر | \ ečteb \ اِچْتَبْ | \ gēra \ گِرَ |
| کم کتاباً قرأ آمین؟ |                 |                    | عربی معیار    |

| ترتیب واژگان       |                    |                      |
|--------------------|--------------------|----------------------|
| صفت پرسشی (۱)      | مفعول (۲)          | فعل (۳)              |
| چندتا              | کفش                | داری                 |
| چَندتا \ čand tâ \ | \ sarâpe \ سَرَاپِ | \ ?ennâk \ اِنِنَاکِ |
| کم حذاء عندک؟      |                    | عربی معیار           |

| ترتیب واژگان           |           |                |
|------------------------|-----------|----------------|
| نهاد (۱)               | مسند (۲)  | فعل اسنادی (۳) |
| ماشینت                 | چی        | بود            |
| سَیْرَتَاک /sayyertâk/ | /yeš/ پِش | چَنت /entč/    |
| ما کانت سيارتک؟        |           | عربی معیار     |

| ترتیب واژگان       |                         |                 |
|--------------------|-------------------------|-----------------|
| قید پرسشی (۱)      | متمم (۲)                | فعل (۳)         |
| کی                 | از خانه                 | اومدی           |
| اِمْتِ /?emēta/    | مِنْ گُوبَا /men gobba/ | جِئْتِ \ je?t \ |
| متی أتیت من البيت؟ |                         | عربی معیار      |

| ترتیب واژگان         |                 |                |
|----------------------|-----------------|----------------|
| نهاد (۱)             | مسند (۲)        | فعل اسنادی (۳) |
| بازی تو              | چطور            | بود            |
| لَعِيبَاک /le.iybâk/ | اِشْتَو /?ešto/ | چِن /enč/      |
| کیف کانت لعبتک؟      |                 | عربی معیار     |

با توجه به نمونه‌های فوق، تأثیر ساختار جملات پرسشی پرسش‌واژه‌دار گویش عربی عربخانه از ساختار جملات پرسشی پرسش‌واژه‌دار در زبان فارسی کاملاً مشهود است و فاصله‌ای را که از ساختار جملات پرسشی عربی گرفته است، نشان می‌دهد.

### عناصر پرسش‌پذیر

هر پرسش‌واژه می‌تواند عنصری خاص را در جمله مورد پرسش قرار دهد. این عناصر شامل نهاد، مفعول، متمم، مسند، قید، مضاف‌الیه و کل جمله است.

### سازه‌های پرسش‌پذیر بند پایه

بند پایه، بندی است که مستقل است، جزئی از جمله دیگری نیست و غالباً غرض اصلی گوینده را دربردارد (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۲: ۳۲۵-۳۲۶). با پرسش‌واژه‌ها می‌توان هر سازه‌ای را در بند پایه مورد سؤال قرار داد (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۲)؛ بنابراین با توجه به اینکه هدف پرسش‌واژه، پرسش از کدام‌یک از نقش‌های جمله است، هم نقش دستوری پرسش‌واژه و هم جایگاه آن در جمله تغییر می‌کند. پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی جایگاه‌های فاعل/ نهاد، مفعول، متمم، قید، مسند، مضاف‌الیه و صفت را اشغال می‌کنند (ناتل خانلری، ۱۳۸۴: ۱۱۵). مطابق آنچه گفته شد، تأثیر زبان فارسی بر گویش عربی عربخانه کاملاً مشهود است؛ چراکه در عربی معیار پرسش‌واژه‌ها تنها در ابتدای جمله آورده می‌شوند؛ برای نمونه می‌توان مثال‌های زیر را در فارسی و گویش عربی عربخانه با عربی معیار مقایسه کرد:

### پرسش از نهاد

| ترتیب واژگان         |  |                     |                           |                             |                          |
|----------------------|--|---------------------|---------------------------|-----------------------------|--------------------------|
| قید<br>(۱)           | پرسش‌واژه: نهاد (۲)                        | حرف اضافه<br>(۳)    | متمم<br>(۴)               | مفعول<br>(۵)                | فعل<br>(۶)               |
| جمله فارسی           | دیروز کی                                   | برای                | زهرا                      | کتاب                        | خرید                     |
| گویش عربی<br>عربخانه | أمس<br>\ ?ams\<br>من<br>\ men\<br>(چه کسی) | إل<br>\ el\<br>برای | زَهرا<br>\ zahra\<br>زهرا | إِچْتَب<br>/ʔečteb\<br>کتاب | شِرء<br>\ šeraʔ\<br>خرید |

جمله فوق در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «مَنْ اشترى الكتابَ لزهراءَ أمس؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی «پرسش‌واژه نهاد (۲) - فعل (۶) - مفعول (۵) - حرف اضافه (۳) - متمم (۴) - قید (۱)» است.

### پرسش از مفعول

| ترتیب واژگان |          |               |          |           |          |
|--------------|----------|---------------|----------|-----------|----------|
| قید (۱)      | نهاد (۲) | حرف اضافه (۳) | متمم (۴) | مفعول (۵) | فعل (۶)  |
| دیروز        | امیر     | برای          | زهرا     | چی        | خرید     |
| أمس          | أمیر     | إل            | زَهرا    | یِش       | شِرَاءَ  |
| \?ams\       | \?amir\  | \el\          | \zahrâ\  | \yeš\     | /šera? / |

جمله فوق در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «ماذا اشترى أميرٌ لزهراءَ أمس؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی «پرسش‌واژه: فعل (۶) - نهاد (۲) - حرف اضافه (۳) - متمم (۴) - قید (۱)» است.

### پرسش از متمم

| ترتیب واژگان |               |          |           |          |  |
|--------------|---------------|----------|-----------|----------|--|
| نهاد (۱)     | حرف اضافه (۲) | متمم (۳) | مفعول (۴) | فعل (۵)  |  |
| امیر         | برای          | که       | کتاب      | خرید     |  |
| أمیر         | إل            | مِن      | إِچْتَب   | شِرَاءَ  |  |
| \?amir\      | \el\          | \men\    | \?ečteb\  | \šera? \ |  |

جمله فوق در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «لمن اشترى أمير کتاباً؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی «پرسش‌واژه (حرف اضافه (۲) و متمم (۳) - فعل (۵) - نهاد (۱) - مفعول (۴)» است.

### پرسش از قید

| ترتیب واژگان |          |               |          |           |         |
|--------------|----------|---------------|----------|-----------|---------|
| قید (۱)      | نهاد (۲) | حرف اضافه (۳) | متمم (۴) | مفعول (۵) | فعل (۶) |
| کمی          | امیر     | برای          | زهرا     | کتاب      | خرید    |
| کَمِیَّ      | أَمِیر   | إِلَی         | زَهْرَا  | کِتَاب    | أَخَذَ  |
| /ʔemeta/     | /ʔamir/  | /ʔel/         | /zahrâ/  | /ʔečteb/  | /ʔexaz/ |

جمله فوق در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «متی اشری امیر کتاباً للزهراء؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی «پرسش‌واژه (۱) - فعل (۶) - نهاد (۲) - مفعول (۵) - حرف اضافه (۳) - متمم (۴)» است.

### پرسش از مسند

| ترتیب واژگان                      |             |                |
|-----------------------------------|-------------|----------------|
| نهاد (۱)                          | مسند (۲)    | فعل اسنادی (۳) |
| نویسنده کتاب                      | کی (چه کسی) | است            |
| مؤلف الإِچْتِبَ /moalefal ʔečteb/ | مِنَ /men/  | هو/ /hu/       |

جمله فوق در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «من أَلْفَ هَذَا الْکِتَابِ؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی «پرسش‌واژه (۲) - فعل (۳) که فعل اسنادی در عربی معیار وجود ندارد؛ در صورتی که در گویش عربی عربخانه با همان ترتیب زبان فارسی کاربرد دارد - نهاد (۱)» است.



## پرسش از مضاف‌الیه

| ترتیب واژگان      |                                    |                            |         |
|-------------------|------------------------------------|----------------------------|---------|
| نهاد (۱)          | گروه مسندی<br>«مضاف+مضاف‌الیه» (۲) | فعل اسنادی (۳)             |         |
| جمله فارسی        | این                                | کتاب + چه کسی              | است     |
| گویش عربی عربخانه | /zē/ ذَا                           | اِحْتَب + مَن /?ečteb+men/ | هو /hu/ |

جمله فوق در عربی معیار به این صورت بیان می‌شود: «من هو صاحب هذا الكتاب؟». به طور کلی ترتیب واژگان با زبان فارسی و گویش عربی عربخانه متفاوت است.

## سازه‌های پرسش‌پذیر بند پیرو

جمله‌های مرکب ناهمپایه حداقل از دو جمله ساخته می‌شوند که یکی مستقل و دیگری وابسته است. به جمله وابسته که غیرمستقل است بند پیرو و به جمله‌ای که مستقل است بندپایه گفته می‌شود. «وابسته‌بودن جمله‌های پیرو در بیشتر موارد می‌تواند با واژه‌های وابستگی‌نما مانند حروف ربط و عبارات ربط نشان داده شود» (لازار، ۱۳۸۴: ۲۵۱).

در جمله مرکب، بند پیرو جزئی از بند پایه است؛ یعنی اصل، جمله پایه است و وابسته در حقیقت جزئی از آن است که گسترش یافته و تبدیل به بند پیرو شده است. اگر بند پیرو را به صورت اصلی آن برگردانیم (تأویل کنیم)، مشخص می‌شود که جزئی از بند پایه است (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۴: ۱۱۲-۱۱۳). بند پیرو برای بند پایه در حکم «فاعل، مفعول، متمم، مضاف‌الیه، قید و صفت» است (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۳۸۱).

بندهای پیرو در زبان فارسی محدود هستند و می‌توان قبل از آن‌ها حرف ربط اختیاری «که» آورد. آوردن «که» در بندهای پیرو گویش عربی عربخانه، همانند بندهای پیرو زبان فارسی اختیاری است و این از تأثیرهایی است که زبان گفتاری فارسی بر این گویش گذاشته است. نکته قابل توجه اینکه ضمائر موصولی عربی معیار، از جمله «مَن، ما، الذی و التی» به کلی در گویش عربی عربخانه از میان رفته و تنها ضمیر موصولی در این گویش «ان» است؛ همان‌طور که در زبان فارسی تنها حرف ربط «که» است.

همه سازه های بند پیرو را می توان مورد پرسش قرار داد. برای نمونه پرسش از برخی نقش های جمله پیرو را در فارسی معیار و گویش عربخانه مورد بررسی قرار می دهیم:

### پرسش از نهاد جمله پیرو

| ترتیب واژگان      |                |                         |          |                |                    |                        |
|-------------------|----------------|-------------------------|----------|----------------|--------------------|------------------------|
| نهاد (۱)          | فعل (۲)        | حرف اضافه (۳)           | نهاد (۴) | صفت شمارشی (۵) | مفعول (۶)          | فعل (۷)                |
| جمله فارسی        | تو             | حدس می زنی              | که       | کی             | دو تا <sup>۳</sup> | دوچرخه درست کرد        |
| گویش عربی عربخانه | إِنْتَ /?enta/ | حَدَسْ تَضْرِبُ \tozrob | إِن \en\ | مِنْ /men/     | دو تا \do tâ\      | دُجْرَخْ سَحَب \sohab\ |

جمله فوق در عربی معیار بدین گونه بیان می شود: «تَحْمَنَ مَن أَصْلَحَ الدَّرَاجَتَيْنِ النَّارِيَتَيْنِ؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی: فعل (۲) و نهاد (۱)، نهاد (۴)، فعل (۷) و مفعول (۶) است.

### پرسش از صفت پرسشی

| ترتیب واژگان      |               |                         |          |                |                   |                        |
|-------------------|---------------|-------------------------|----------|----------------|-------------------|------------------------|
| نهاد (۱)          | فعل (۲)       | حرف ربط (۳)             | نهاد (۴) | صفت شمارشی (۵) | مفعول (۶)         | فعل (۷)                |
| جمله فارسی        | تو            | حدس می زنی              | که       | علی            | چند تا            | دوچرخه درست کرد        |
| گویش عربی عربخانه | إِنْتَ \enta\ | حَدَسْ تَضْرِبُ \tozrob | إِن \en\ | عَلِي \?ali\   | چَند تا \čand tâ\ | دُجْرَخْ سَحَب \sohab\ |

جمله فوق در عربی معیار این گونه است: «تخمن کم دراجه الهوائیه ناریه أصلح علی؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی: فعل (۲) و نهاد (۱)، صفت پرسشی (۵)، مفعول (۶)، فعل (۷) و نهاد (۴) است.

### پرسش از کل جمله پیرو

| ترتیب واژگان |                  |                 |                   |
|--------------|------------------|-----------------|-------------------|
| مفعول (۱)    | نشانه مفعولی (۲) | فعل (۳)         |                   |
| چه           | را               | حدس می‌زنی      | جمله فارسی        |
| آیش /alyeš/  | -                | حدس تُضْرَبَه   | گویش عربی عربخانه |
|              |                  | /hads tozorbah/ |                   |

جمله فوق در عربی معیار بدین گونه است: «ماذا تخمن؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی: مفعول (۲ و ۱) و فعل (۳) است.

### عناصر پرسش‌پذیر ساخت‌های همپایه

همپایگی در زبان فارسی با قراردادن حرف عطف «و» (va یا o) و همچنین حرف همپایه‌ساز «یا» در بین عناصری که باید پیوند داده شوند، ساخته می‌شود. گروه‌های اسم با یکدیگر و گروه‌های فعل با یکدیگر همپایه می‌شوند (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۶). در گویش عربخانه به جای va از vo استفاده می‌شود. علاوه بر این کاربرد فراوان /o/ به جای va که در گونه گفتاری زبان فارسی رایج است، در گویش عربی عربخانه هم مشاهده می‌شود. در گویش عربی عربخانه حرف همپایه-ساز «یا» به صورت «ی» /ye/ استعمال می‌شود.

پرکاربردترین گروه‌های همپایه در زبان فارسی، گروه‌های همپایه اسمی و فعلی هستند. گروه‌های همپایه اسمی، دو یا چند گروه اسمی هستند که لزوماً نقش‌های دستوری یکسانی دارند (طیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۱۸). گروه‌های همپایه فعلی نیز دو یا چند فعل هستند که در نقش فعل به کار می‌روند. برای بررسی پرسش از گروه‌های اسمی و فعلی همپایه از هر کدام یک نمونه فارسی و معادل آن در گویش عربخانه بررسی می‌شود:

| ترتیب واژگان |            |          |               |          |          |                      |
|--------------|------------|----------|---------------|----------|----------|----------------------|
| نهاد (۱)     | همپایه (۲) | نهاد (۳) | حرف اضافه (۴) | متمم (۵) | فعل (۶)  |                      |
| رضا          | وَ         | کی       | به            | پارک     | رفتند    | جمله فارسی           |
| \Reza\       | \ vo\      | \ men\   | \ ?ela\       | \ pârak\ | \ qedaw\ | گویش عربی<br>عربخانه |

این جمله در عربی معیار بدین گونه به کار می‌رود: «مَنْ انطلق إلى الحديقة مع رضا؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی: نهاد (۳) که پرسش‌واژه می‌باشد، فعل (۶)، حرف اضافه (۴)، متمم (۵) و نهاد (۱) است.

| ترتیب واژگان |                 |              |                    |           |         |                      |
|--------------|-----------------|--------------|--------------------|-----------|---------|----------------------|
| نهاد (۱)     | قید زمان (۲)    | فعل (۳)      | حرف همپایه‌ساز (۴) | مفعول (۵) | فعل (۶) |                      |
| احمد         | کل هفته         | می‌خواند     | و                  | چه کار    | می‌کرد؟ | جمله فارسی           |
| \ ?ahmad\    | kolla \ \ hafta | yegra\ \ ?en | \ vo\              | /yeš/     | /sayya/ | گویش عربی<br>عربخانه |

این جمله در عربی معیار بدین گونه به کار می‌رود: «كان أحمد يدرسُ كل الأسبوع و ماذا يفعل غيره؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی زیر است: نهاد (۱)، فعل (۳)، قید زمان (۲)، حرف همپایه‌ساز (۴)، مفعول (۵) و فعل (۶).

روشن است که در هر دو مورد ساختار جمله گویش عربی عربخانه کاملاً تحت تأثیر ساختار جمله در زبان فارسی و با عربی معیار متفاوت است.

### تعداد سازه‌های پرسش‌پذیر

به صورت نظری «در جمله هر تعداد سازه را به طور همزمان می‌توان مورد پرسش قرار داد» (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۷)؛ اما از نظر کاربردی این تعداد محدود به نقش‌های موجود در ساختار هر

جمله است. برای مقایسه زبان فارسی و گویش عربخانه از نظر تعداد سازه‌های پرسش‌پذیر، یک جمله بررسی می‌شود:

| ترتیب واژگان         |                |          |                |          |        |
|----------------------|----------------|----------|----------------|----------|--------|
| نهاد                 | حرف اضافه+متمم | قید زمان | فعل            | قید مکان |        |
| (۱)                  | (۲)            | (۳)      | (۴)            | (۵)      |        |
| جمله فارسی           | کی             | با + کی  | کی             | رفتند    | کجا؟   |
| گویش عربی<br>عربخانه | مِن            | ی+مِن    | اِمْتْ /emēta/ | غِدَوَا  | وین    |
|                      | /men/          | /ye+men/ |                | /qedaw/  | /vein/ |

جمله فوق در زبان عربی معیار بدین گونه است: «مَنْ مَع مَنْ وَ مَتَى وَ أَيْنَ انْطَلِقُوا؟». همان گونه که مشاهده می‌شود، جملات در فارسی معیار، گویش عربی عربخانه و عربی معیار از نظر تعداد سازه‌های قابل پرسش تفاوتی با هم ندارند؛ به عبارت دیگر همه سازه‌های پرسش‌پذیر در فارسی معیار، در عربی معیار هم قابل پرسش است. تنها تفاوت در ترتیب واژگانی عربی معیار (نهاد (۱)، متمم (۲)، قید زمان (۳)، قید مکان (۵) و فعل (۴)) با فارسی و گویش عربخانه است.

### جمله پژواپرسی

جمله پژواپرسی با تکرار بخشی از جمله پرسشی ساخته می‌شود (همان: ۲۸). این گونه از جمله پرسشی دو نوع دارد: جمله پژواپرسی بله / خیر و جمله پژواپرسی پرسش‌واژه‌دار.

### جمله پژواپرسی بله / خیر

در این نوع پرسش قسمتی از جمله به عنوان سؤال تکرار می‌شود. پاسخ این سؤال، کلمه بله یا خیر است؛ برای مثال در جمله «کتابو از سارا گرفتم» هر قسمت از جمله به طور جداگانه می‌تواند تکرار شود و مورد پرسش قرار گیرد: «از سارا گرفتی؟» (متمم) و «کتابو گرفتی؟» (مفعول) این نمونه در فارسی و گویش عربخانه مقایسه می‌شود:

### پرسش از متمم

| ترتیب واژگان  |             |                       |                   |
|---------------|-------------|-----------------------|-------------------|
| حرف اضافه (۱) | متمم (۲)    | فعل (۳)               |                   |
| از            | سارا        | گرفتی؟                | جمله فارسی        |
| /men/ مین     | /sâra/ سارَ | اِخَذْتَه /?exaztah/؟ | گویش عربی عربخانه |

جمله فوق در عربی معیار به صورت «أخذت من سارا؟» به کار می‌رود و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی: فعل (۳)، حرف اضافه (۱) و متمم (۲) است.

### پرسش از مفعول

| ترتیب واژگان  |                      |                   |
|---------------|----------------------|-------------------|
| مفعول (۱)     | فعل (۲)              |                   |
| کتابو         | گرفتی؟               | جمله فارسی        |
| أچتب /?açteb/ | اِخَذْتَه /?exaztah/ | گویش عربی عربخانه |

جمله فوق در عربی معیار به صورت «أخذت الكتاب؟» به کار می‌رود و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی: فعل (۲) و مفعول (۱) است.

در هر دو نمونه ترتیب واژگان در گویش عربی عربخانه تحت تأثیر زبان فارسی است.

### جمله پژوا پرسشی پرسش واژه دار

این نوع پرسش را با قراردادن پرسش‌واژه به جای یکی از عناصر جمله می‌سازند (همان: ۲۹). برای مثال در پرسش از «رفتم مدرسه» جمله «رفتی کجا/ کجا رفتی» مطرح می‌شود. این جمله در فارسی و گویش عربخانه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

| ترتیب واژگان  |                        |                   |
|---------------|------------------------|-------------------|
| فعل (۱)       | پرسش‌واژه (۲)          |                   |
| رفتی          | کجا                    | جمله فارسی        |
| /qedt/ غِدْتِ | /el vein/ الوین        | گویش عربی عربخانه |
| این انطلقت؟   | پرسش‌واژه (۱)، فعل (۲) | عربی معیار        |

| ترتیب واژگان     |                        |                   |
|------------------|------------------------|-------------------|
| پرسش‌واژه (۱)    | فعل (۲)                |                   |
| کجا              | رفتی                   | جمله فارسی        |
| إلّوین/?el vein/ | غَدِتْ/qedēt/          | گویش عربی عربخانه |
| أین انطلقت؟      | پرسش‌واژه (۱)، فعل (۲) | عربی معیار        |

نکته قابل توجه در جمله فوق این است که در زبان فارسی و گویش عربخانه، می‌توان پرسش‌واژه را جابه‌جا کرد؛ اما در عربی معیار امکان جابه‌جایی نیست.

### عناصر پرسش‌پذیر جمله پژوها پرسشی

در گویش عربی عربخانه همانند زبان فارسی، تمام عناصر جمله؛ یعنی «نهاد، مفعول، متمم، مسند، قید، صفت، مضاف‌الیه و گروه فعلی»، می‌توانند مورد پرسش واقع شوند؛ برای مثال در جمله «امروز با پروین خونه رو تمیز کردیم» می‌توان تمام عناصر این جمله را مورد پرسش قرار داد و جمله‌های زیر را مطرح کرد:

| عربی معیار        | گویش عربی عربخانه   | جمله فارسی            |                   |
|-------------------|---------------------|-----------------------|-------------------|
| البیّت؟           | 'aggobba?           | ۱. خونه رو            | پرسش از مفعول     |
| مع بروین؟         | ye parvin?          | ۲. با پروین           | پرسش از متمم      |
| متی؟              | 'emmeta?            | ۳. کی (چه وقتی)       | پرسش از قید       |
| ماذا قمت بالبیّت؟ | 'aggoba yesh setah? | ۴. خونه رو چیکار کردی | پرسش از گروه فعلی |

در تعداد عناصر پرسش‌پذیر در جمله پرسشی پژوها پرسشی، تفاوتی میان فارسی معیار، گویش عربخانه و عربی معیار وجود ندارد.

## نتیجه

همان‌گونه که مشاهده شد گویش عربی عربخانه در سطح نحوی و بویژه ساختار جمله و ترتیب اجزای جمله از دیدگاه رده‌شناسی، شباهت فراوانی با زبان فارسی گفتاری دارد. این شباهت در همه بخش‌های نحو، بویژه ساخت جمله و ترتیب چینش کلمات، مشهود است. برخی از این شباهت‌ها نشان‌دهنده تأثیرپذیری ترتیب اجزای جمله گویش عربی عربخانه از فارسی گفتاری منطقه است و در مورد برخی با صراحت و قاطعیت نمی‌توان مدعی تأثیرپذیری شد. بدین ترتیب در مقاله حاضر، ترتیب چینش کلمات در جمله پرسشی فارسی گفتاری، گویش عربخانه و عربی معیار به صورت تطبیقی مورد پژوهش قرار گرفت و نتایج زیر حاصل شد:

ترتیب اجزای جمله پرسشی در گویش عربی عربخانه در اغلب موارد به همان صورتی است که در زبان فارسی به کار می‌رود. جابه‌جایی اجزای جمله که در زبان گفتاری فارسی کاربرد دارد، در گویش عربخانه تحت تأثیر زبان فارسی، کاملاً امکان‌پذیر است؛ اما چنین جابه‌جایی‌هایی در بسیاری از ساختارهای عربی معیار ممکن نیست. بسیاری از پرسش‌واژه‌های زبان فارسی، مانند چند، چندان، چقدر و مگه، با تغییرات اندکی در تلفظ، وارد گویش عربخانه شده‌اند. برخی از تغییرات در تلفظ پرسش‌واژه‌ها تحت تأثیر فارسی رایج در خراسان جنوبی بوده است؛ مانند کاربرد پرسش‌واژه «چطور» به صورت «اِشطو/ešto» که در گویش فارسی این منطقه نیز به همین صورت تلفظ می‌شود. پرسش‌واژه‌های فارسی در ساختار جمله پرسشی گویش عربخانه کاربرد بسیاری دارند. کلمه پرسشی «آیا» که مربوط به گونه رسمی فارسی است، در گویش عربی عربخانه همانند زبان گفتاری فارسی کاربرد ندارد و این نشان‌دهنده شباهت یا تأثیرپذیری گویش عربی عربخانه از فارسی گفتاری است. در زبان فارسی، ضمیر پرسشی جانشین اسم می‌شود که ممکن است در جایگاه فاعل، مفعول، متمم، قید، صفت و مسند قرار گیرد. در گویش عربی عربخانه هم همین وضعیت حاکم است. ساختار جملات گویش عربی عربخانه و زبان فارسی در جایگاه و ترتیب سازه‌های پرسش‌پذیر بند پیرو، ساخت‌های همپایه و جملات پژوهش‌پرسی یکسان است؛ اما این جملات از نظر تعداد سازه‌های پرسش‌پذیر در فارسی، گویش عربخانه و عربی معیار شباهت دارند و بنابراین نمی‌توان ادعا کرد که تعداد سازه‌های پرسش‌پذیر در گویش عربخانه از فارسی متأثر بوده است.



## پی‌نوشت‌ها

۱. گفتنی است با توجه به محدودیت صفحات و واژگان مجاز در مجله، در فرایند اصلاحات مجبور به حذف بسیاری از نکته‌ها، از جمله مثال‌ها، نمونه‌ها و مبانی نظری شدیم؛ بنابراین با توجه به اینکه این مقاله بخشی از رساله کارشناسی ارشد است، خوانندگان را به رساله ارجاع می‌دهیم.

۲. در برخی موارد ذکر نقش‌نمای «را» اجباری است؛ برای مثال «کاغذ را آتش زد» که در این موارد ذکر «ال» که همان نقش‌نمای «را» در گویش عربخانه است، همانند زبان فارسی، اجباری است؛ مانند جمله بالا که در گویش عربخانه بدین صورت است «al-varaq olegeh» و نمی‌توان گفت «varaq olegeh» و در برخی موارد عدم ذکر «را» در زبان فارسی اجباری است؛ برای مثال «پول داری» که در گویش عربخانه بدین صورت است: «zahab ennak» و نمی‌توان گفت «al-zahab ennak».

۳. نکته قابل توجه این است که در گویش عربی عربخانه اعداد به صورت فارسی به کار می‌روند؛ با این تفاوت که به جای عدد (یک) از واژه فَا (fā) استفاده می‌شود.

## منابع

- آذری، آرزو (۱۳۹۶). "بررسی ساخت صرفی فعل در گویش عربی درمیان و مقایسه آن با عربی معیار". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- آموزگار، یوسف (۱۳۸۰). "بررسی گویش منطقه عربخانه و مقایسه آن با عربی کلاسیک". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان: در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۸۷). *دستور زبان فارسی/امروز*. تهران: قطره.
- اسعدزاده، مهری (۱۳۹۸). "بررسی تطبیقی ادبیات مربوط به آداب و رسوم مردم طایفه بهلولی و عربخانه". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- اشپولر، برتولد (۱۳۶۹). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- البرزی ورکی، پرویز (۱۳۸۱). "رده‌شناسی ساخت‌واژی". پژوهش زبان‌های خارجی، ش ۱۲ (بهار و تابستان): ۱۸-۳.
- امیرآبادی‌زاده، مرجان (۱۳۸۸). "توصیف ساخت‌واژه اسم و فعل ثلاثی در منطقه عربخانه بیرجند". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن (۱۳۹۲). *دستور زبان فارسی ۲*. تهران: فاطمی.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۰). *توصیف ساختمان دستور زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴). *فتوح البلدان*. ترجمه آذرتاش آذرنوش. تهران: سروش.
- بهلولی‌مقدم، عفت (۱۳۹۸). "بررسی تطبیقی افسانه‌های طایفه بهلولی و عرب‌های خراسان جنوبی (عربخانه)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.

- جانی، اسماعیل (۱۳۸۷). "بررسی و توصیف گویش عربی شهرستان درمیان". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد آموزش زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکترا شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضایی، والی؛ بهرامی، فاطمه (۱۳۹۴). *مبانی رده‌شناسی زبان*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۸). *تاریخ مردم ایران*. تهران: سپهر.
- سیدی، سیدحسین؛ جانی، اسماعیل (۱۳۸۷). "بررسی گویش عربی جنوب خراسان". *مجله تخصصی زبان و ادبیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره ۴۱، ش ۱۲۷: ۱۴۱-۱۵۴.
- طبیب‌زاده، امید (۱۳۹۰). *دستور زبان فارسی (بر اساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی)*. تهران: نشر مرکز.
- عباسی، حبیب‌الله (۱۳۷۷). *پیشینه تاریخی عرب‌های جنوب خراسان*. تهران: روزگار.
- عزیزی، رقیه (۱۳۹۷). "بررسی دستگاه گویش عربی روستای توتسک". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- فاضل، نوید (۱۳۹۲). *دستور زبان پارسی*. تهران: آگه.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۸). *جمله و تحول آن در زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- کاظمی، ایوب (۱۳۹۳). *تاریخ عربخانه*. تهران: سیمای دوست.
- گلغام، ارسلان (۱۳۹۳). *اصول دستور زبان*. تهران: سمت.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی معاصر*. ترجمه مهستی بحرینی. تهران: هرمس.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). *دستور زبان از دیدگاه رده‌شناسی*. تهران: نشر مرکز.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۳). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). "جمعیت سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵". [پیوسته] قابل دسترس در: [۱۳۹۹/۵/۱۰] [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- میرنیا، علی (۱۳۶۹). *ایل‌ها و طوایف عشایری خراسان*. تهران: نسل دانش.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی*. تهران: توس.

- نوروزی، حامد؛ قربانی جویباری، کلثوم (۱۳۹۴). "تأثیر فعل اسنادی فارسی بر ساختمان فعل در گویش عربی عربخانه". پژوهش‌های ادبی، سال دوازدهم، ش ۵۰ (زمستان): ۱۴۵-۱۹۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). "قرض‌گیری‌های گویش عربی عربخانه از زبان فارسی". *مطالعات تطبیقی فارسی و عربی، دوره ۱، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱۶۹-۱۹۱*.
- وحیدیان کامیار، تقی؛ عمرانی، غلامرضا (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی ۱*. تهران: سمت.
- Dahlgren, Sven-Olof (2005). "On the Arabic of Arabkhane in eastern Iran". In: *Linguistic convergence and areal diffusion: case studies from Iranian, Semitic and Turkic*. Edited by: Eva Agnes Csato, Bo Isaksson & Carina Jahani. London: Routledge, Curzon.
- Thomason, S. G.; Kaufman, T. (1988). *Language Contact, Creolization and Genetic Linguistics*. Berkeley: University of California Press.